

نگاهی به مقوله‌ی هویت در فضای شهری

اسداله بابایی فرد^{1*}، ندا خداکرمیان گیلان²، مریم جوادی³

1. دانشیار، گروه علوم اجتماعی، دانشگاه کاشان

Email: babaiefardm@gmail.com

2. دانشجوی کارشناسی ارشد، گروه علوم اجتماعی، دانشگاه کاشان

Email: n. Khodakaramian.g@gmail.com

3. دانشجوی کارشناسی، گروه علوم اجتماعی، دانشگاه کاشان

Email: maryamjavadi1376294@gmail.com

چکیده

هدف از این پژوهش بررسی هویت در فضای شهری است. هویت شهر بر خلاف تصور غالب به معنای سکون، تثبیت و تکرار اجزا شهر نیست بلکه از آنجا که ذات شهر توأم با تغییر و دگرگونی است، حفظ هویت معادل تداوم تاریخی شهر توأم با هماهنگی با نیازها و شرایط جدید است. در صورت حفاظت سلب از تاریخ شهر، پویایی آن از میان می‌رود که این پدیده مفهوم شهر را از دست خواهد داد. انسان‌ها نیز چنین چیزی را نمی‌پسندد. در یک شهر هویت‌مند تعادلی مطلوب بین حفظ نمادهای پیشین با حس نوجویی برقرار است. برای دستیابی به هویت شهر باید از طریق شناخت عناصر منظر شهری دو قطبی‌های متضاد از قبیل وحدت - کثرت، تشابه - تمایز و استمرار - تغییر را به صورتی تعقیب کرد که توالی و اتصال حالات مختلف شیء در حال دگرگونی ملاحظه و ادراک شود. شهرهای امروزی ما دچار بحران هویت هستند، زیرا در این شهرها بدون پیوند با گذشته تغییر شکل بنیادین اتفاق افتاده است، و حال آنکه این گسست، باعث از دست رفتن قدرت و قابلیت تشخیص و تمایز گردیده است. بدین ترتیب هویت در شهر می‌تواند باعث فردگرایی، بحران هویت و دگرگونی هویت شود. در این راستا در پژوهش حاضر از روش کتابخانه‌ای - اسنادی استفاده شده است.

واژه‌های کلیدی: فضای شهری، هویت، مقوله شهر، شهر و هویت.

1. مقدمه

شهرها همواره تحت تأثیر نیروها و مولفه‌های گوناگونی هم‌چون نیروهای طبیعی مثل آب، توپوگرافی زمین، باد، فن‌آوری ساخت یا نیروهای اقتصادی و جریان‌های سرمایه، نیروهای سیاسی و جریان‌های قدرت، نیروهای اجتماعی یا نهادهای مدنی بوده است. بر همین اساس، فضاهای شهری نیز نمودی از زندگی و شرایط اجتماعی-اقتصادی ساکنین آن بوده است. مرور دوره‌های تاریخی و تکوین و تغییر فضاهای شهری نشان‌گر زندگی دوره‌ی سرعت و ماشین، تسلط نیروهای اقتصادی بر امور و نشان‌دهنده‌ی استثمار طبیعت و بحران‌های اجتماعی است. این فضاها تأثیرات عمده‌ای بر هویت افراد در شهر داشته‌اند. اگر فضاهای شهری بخواهند یک فضای پایدار باشد که در ابعاد اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی جامعه نقش ایفا کنند، می‌بایست اندیشه غالب زمانه نیز در این جهت باشد، چرا که فضای شهری، محصول زمانه‌ی خویش بوده و در همین راستا، ساختارهای ذهنی و عقلانی جامعه می‌تواند اساس شکل‌گیری و تسلط گفتمان پایداری را فراهم سازد (سلطانی و نامداریان، 1390: 10).

از آن جایی که فضاهای شهری تجلی اندیشه و دیدگاه‌های بشری است لذا گفتمان‌های مختلف نموده‌های مختلفی در فضاهای شهری خواهند داشت. گفتمان‌هایی مانند مدرنیسم و پست‌مدرنیسم طی چند دهه است که در ادبیات شهری کشورهای مختلف دنیا مورد توجه قرار گرفته است. از زمان ورود مدرنیسم به ایران و پذیرش حیات مدرن، عناصر شهری در قالب فضاهای مختلف پذیرای تحولات خاص خود شد. فضاهای شهری در دوره‌های قبل از مدرنیسم دارای عناصر ثابتی بوده است که ساختار و استخوان‌بندی شهرها را تشکیل داده است. این عناصر مانند ارگ، برج و بارو، حصار و دروازه‌ها، بازارها و ... فضاهایی بودند که به نوعی با زندگی و معیشت مردم گره خورده بودند. از میان فضاهای موجود، فضاهای عمومی به عنوان ویتترین حاکمیت این اندیشه‌ها از اهمیت بالایی برخوردار است (حبیبی و محمودیه پاتی، 1395: 44). فضای یعنی جریان زندگی روزمره که در مرکز جامعه واقع شده است. این فضاها برای همه به آسانی قابل دسترسی‌اند و با مجموعه‌ای از مجتمع‌های تجاری، فرهنگی و مسکونی احاطه شده‌اند. این فضاها، مکان‌هایی را تشکیل می‌دهند که بیشتر ساکنان شهر یا برای خرید و یا گردش به این مکان‌ها می‌روند و یا در مسیر روزانه آن‌ها قرار دارد. در این راستا بنا بر گفته لنگ فضای شهری را می‌توان بخشی از فضای باز و عمومی شهری دانست که به نوعی تبلور ماهیت زندگی اجتماعی می‌باشد (قلمبر دزفولی و تقی زاده، 1392: 16).

شهر و انسان همواره به هم وابسته بوده و همین وابستگی، نظریات خاصی را به دنبال داشته است. اگر چه نظریات مربوط به نسبت انسان و شهر، مختلف و چه بسا متفاوت است، اما این نسبت، حکایت از امر مهمی در پیوستگی دو سر طیف تبیین انسان و مدینه دارد (ریاضی، 1392: 102). فضای شهری بستر مشترکی است که مردم فعالیت‌های کارکردی و مراسمی را که پیوند دهنده‌ی اعضای جامعه را در آن انجام می‌دهند چه این فعالیت‌ها روزمره و معمولی و چه جشنواره‌ای و دوره‌ای باشند. به عبارت دیگر فضای عمومی صحنه‌ای است که به روی آن نمایش زندگی اجتماعی در معرض دید عموم قرار می‌گیرد. فضای عمومی، فضایی برای سیاست، مذهب، دادوستد و ورزش است. فضایی برای همزیستی مسالمت‌آمیز و برخوردهای غیر شخصی، ویژگی فضای عمومی این است که زندگی جمعی، فرهنگ شهری و مباحث روزمره‌ی ما را بیان کرده و در ضمن بر آن‌ها تأثیر می‌گذارد (خادمی و علی‌پور، 1396: 44). با مدرنیته‌شدن جوامع، علائم و نشانه‌های فراوانی دال بر تکوین و رشد معضل گوناگونی نامتقارن و ستیز جویانه در رفتار شهرنشین به عنوان واقعیت اجتماعی و شهری محل توجه جامعه‌شناسان شهری قرار داشته است (ساندرز، 1976). هویت¹ پدیده‌ای است که در بستر تاریخی یک جامعه شکل می‌گیرد. با گذر زمان این حس هویت در فرد درونی می‌شود و رفتار فرد را هدایت و نهایتاً جامعه را یکپارچه می‌کند. وحدت رفتاری ایجاد شده در سطح جامعه کالبدی را جستجو می‌نماید تا نیازهای رفتاری و روانی فرد و جامعه را برطرف نماید. شهرها نیز با طرح ایدئولوژی خاص خود، رفتاری خاص را طلب می‌نماید که در کالبد خاص خود قابلیت اجرا می‌یابد (موحد، 2012: 46).

¹ . Identity

شهرهای امروزی ما دچار بحران هویت هستند. زیرا در این شهرها بدون پیوند با گذشته تغییر شکل بنیادین اتفاق افتاده است، و حال آنکه این گسست، باعث از دست رفتن قدرت و قابلیت تشخیص و تمایز گردیده است. در همین راستا برای مقابله با پدیده‌ی از دست رفتن هویت در شهرها باید نگاه حسرت‌بار و موزه‌ای نسبت به تاریخ کنار گذاشته و تغییر در طی زمان پذیرفته شود. کندو کاو در مقوله‌ی هویت ما را به این نتیجه می‌رساند که نمی‌توان آن را در یک تعریف خاص قرارداد. در واقع هویت کیفیتی همواره جاری در طیف گذشته امروز است و چنانچه برای ارائه تعریف و شناخت، در لحظه‌ای خاص آن را متوقف کنیم، دچار خطا می‌شویم. به این معنی که هویت از اندوخته‌های ذهنی فرد در طول زمان حاصل می‌شود. تغییر امری محتوم است لیکن در کنار تداوم و استمرار می‌تواند به هویتی پایدار بینجامد. به کمک بررسی عناصر تشکیل دهنده‌ی شهرهای سنتی اسلامی کشور و کمک به حفظ تداوم حضور این عناصر در بافت می‌توان تمهیداتی اندیشید که محیط پاسخگوی نیازهای زمانه خود بوده، در عین حال در تداوم و پیوستگی با شکل و فضای تاریخی باشد؛ بدین معنی که برنامه‌ریزان و طراحان شهری باید این پیوستگی و استمرار زمان را در مکان به شکل معنادار و محسوس ایجاد نمایند تا هویت بافت‌های با ارزش و تاریخی در شهر تقویت گردد. برخی از اندیشمندان هویت را با تأکید بر وجه تشخیص تعریف کرده‌اند. اما زمانی که از هویت یک شهر سخن به میان می‌آید در خط فکری تصویر ذهنی ما این اصطلاح، برخی ویژگی‌ها خودنمایی می‌نماید که نشان‌دهنده شهر مورد نظر می‌باشد. اصولاً هویت یک پدیده، امری انتزاعی و جدا از سایر موضوعات مرتبط با آن پدیده نیست و هویت یک محله، با موضوعات بسیاری در ارتباط است. از جمله با ساکنین محله، باورها، شیوه‌های زیست، آرمان، فرهنگ، جهان‌بینی و... مرتبط و غیر قابل تفکیک است. محله شهری که خود یک سیستم مستقل کالبدی در قالب شهر ایرانی است، در طی زمان و در فرآیند شکل‌گیری خود با هویت مکانی حتی قوی‌تر از هویت شهری توانسته در انسجام‌بخشی شهر نقشی اساسی را ایفا کند (غلامی و حیاتی، 1392: 131-132).

معماری و شهرسازی از مصادیق تبلور یافته‌ی فرهنگ مدنی یک جامعه است و هویت آن جامعه را به نمایش می‌گذارند، ملاحظه‌ی وجوه فرهنگی در معماری و شهرسازی، موجد کیفیتی در محیط است که بیانگر وجهی از هویت جامعه واجد آن فرهنگ است. به این ترتیب محیط باید یادآور و تذکر دهنده‌ی ارزش‌ها است و شهر باید بتواند جامعه را به سمت ارزش‌های فرهنگی‌اش هدایت کند. شهرها و فضاهای شهری گذشته ما از استقلال، شخصیت و هویت ویژه خود برخوردار بوده‌اند؛ مفاهیمی که نهایتاً منجر به تعریف مفاهیم بزرگتری چون تعلق خاطر و حس شهروندی گشته‌اند؛ درحالی‌که آنچه از اغلب شهرهای معاصر ما در ذهن عموم شکل می‌گیرد جز مجموعه‌ای از ساختمان‌های بلند، خیابان‌ها، ادارات، پارک‌ها نیست. امروزه با عدم رعایت شهرسازی بومی؛ شهرهای ما دچار بحران هویت شده و هرچه می‌گذرد این بحران گسترده‌تر و عمیق‌تر می‌شود. در این میان در کشور ما، که یکی از غنی‌ترین سرزمین‌ها از نظر بهره‌مندی از میراث و دستاوردهای فرهنگی است، شیفتگی به مظاهر غیربومی و فراموشی سهوی و عمدی هویت بومی به وفور مشاهده می‌شود. تمامی این عوامل لزوم شناخت هویت و فرهنگ اصیل گذشته ایرانی را ضرورتی انکارناپذیر ساخته است (مفرد و چولائی، 1392).

بحران هویت شهرهای جدید، شاید از آنجا ناشی می‌شود که از یک سو، قبل و حین احداث این شهرها، صرفاً به مسائل عمرانی و اقتصادی توجه می‌شود. مردم هر شهری هرچند با جمعیت به لحاظ روانی نیاز دارند که شهرشان دارای سیمای منحصر به فرد، نمادها و شاخص‌های غرورآفرین، عناصر تداعی‌کننده فرهنگ و تاریخ، خاطره‌ساز، سرزنده و با نشاط، زمینه‌ساز اتفاقات و رویدادهای اجتماعی و همبستگی اجتماعی باشند. در آن صورت است که از زندگی در این شهر لذت برده، در آن احساس اعتبار نموده، برای مکان زیست خود احترام قائل بوده، جهت بهبود فضای زندگی مشارکت کرده و تمایلی جهت ترک شهر وجود دارد. قابلیت زندگی، هویت، اصالت و فرصت‌های شهری از خصوصیات مثبت محیط شهری است که باید در خدمت فرد، شهروند و واحدهای کوچک اجتماعی قرار گیرد. چندان که یافته‌های تحقیق حاضر نیز تأیید می‌کند، ساختار شهر لازم است که دعوت‌کننده و مشوق حیات عمومی باشد و این دعوت‌کنندگی از بطن اجتماع شهری نیز تراوش نماید. در صورتی که به مولفه‌های هویت بخش توجه نشود، تمایل شهروندان به زندگی در این شهرها بسیار پایین خواهد بود و در

اولین فرصت، مجدداً به محل پیشین برخواهند گشت یا در صورت سکونت در شهرهای جدید، تنها به اجبار و فارغ از هر حس تعلق سکونت خواهند کرد (شاطریان و سهراب زاده، 1396: 127-128).

در شهر فقط دستاوردهای عینی سنجش پذیر است. انسان در شهرها با دیگر افراد حسابگرانه برخورد می کنند و مجبور هستند با آنان روابط اجتماعی داشته باشد. روابط در شهر بدون وقت شناسی امکان پذیر نیست، روابط و علایق افراد در کلان شهرها پیچیده و انسان نمی تواند بدون وقت شناسی دقیق در ارائه خدمات، تمامی ساختار آن دخالت داشته باشد. پس او در هرج و مرجی چاره ناپذیر فرو رفته است. در شهرها مردم علایق متفاوتی دارند که این علایق متفاوت باعث آشفتگی در هویت آنان شده و کوچکترین تغییری در آنان تمام زندگی اقتصادی و ارتباطی آنان را بر هم می زند. انسان در شهر با تناقضات زیادی مواجه است که این تناقضات باعث دگرگونی هویت او می شود. وقت شناسی، حسابگری و دقت پیچیدگی زندگی آنان را بیشتر می کند و در طول زمان دچار بحران هویت شده و تن به انجام رفتارهایی می زنند که آنان را آشفته می کند. شکل دقیق زندگی و تار و پود ظریفی در زندگی به وجود می آید که در ساختی به هم پیوسته هستند و به شدت غیر شخصی بوده و از سوی دیگر همین عوامل، ذهنیتی به شدت شخصی را گسترش داده است (زیمل، 1372: 55). شهر انبوهی از رنگها، سنگها، شیشهها، آجرنماها و بتنهایی مشاهده می شود که نام بنا بر خود دارند؛ بلند و کوتاه با خطوط افقی و عمودی نامتناسب و رنگهای ناهمگون؛ پنجرههای نازیبا، ورودیها و مصالح متنوع و... این گوناگونی و ناهمگونی در سبک و شکل نمایان شده و شهرهایی بی هویت، غیرانسانی، ناهماهنگ و نابسامان را برای افراد به وجود آورده اند. شهرها دیگر هیچ نوع مشخصه ای را تداعی نمی کنند و در واقع سازمان فضایی و محیط کالبدی شهر، احجامی مکعبی، تک عملکردی، بدون دید و منظر و بدون سایه روشنهای مناسب و بدون نشانه و از این دست است. بافت شهرها از ساختمانها و احجام پراکنده ای به وجود آمده است که بحران هویت را به نمایش گذاشته و مردم تغییر در شهر را احساس کرده و نتیجه این امر بی تفاوتی در شهر است. انسانها در کالبد شهر دچار بحران هویت شده اند و این بحران روز به روز عمیق تر و گسترده تر می شود. در شهرهای ما در اثر شهرنشینی شتابان، عناصر هویت بخش در شهر و محله های آن به وجود نیامده یکسانی و یکنواختی در آنها به چشم می خورد. در این راستا در پژوهش حاضر بر آن هستیم که به بررسی هویت در فضای شهری، با استفاده از روش کتابخانه ای و اسنادی بپردازیم.

2. مبانی نظری

1-2. مقوله شهر²

هانری لوفور³، شهر را شی فضایی⁴ می داند که پهنه و موقعیتی را اشغال کرده و باید آنرا به مثابه یک شی با فنون و روشهای مختلف از جمله اقتصادی، سیاسی، معیشتی و غیره مورد مطالعه قرار داد. در نظر او شهر به مثابه یک اثر هنری است. شهر نه سازمان یافته و نه نهادینه شده بلکه الگو یافته و به مالکیت گروههای مختلف درآمده است. از این رو شهر را باید از این دو جنبه مورد مطالعه قرار داد: بناهای مختلف و زمان بندی ای که برای شهروندان خود به وجود می آورند. لوکوربوزیه⁵، چهار کارکرد اساسی حاکم بر سازمان شهری را سکونت، کار، تفریح و حمل و نقل معرفی می کند. در نتیجه شهر لوکوربوزیه را باید شهری کارکردی دانست. چنانچه به باور لوکوربوزیه سادگی در معماری بهترین پاسخ زیباشناسانه به نیازهای انسانی است، در شهر ترکیب مناسب و آرمانی چهار کارکرد مذکور می تواند چنین پاسخی را عرضه کند (آتشین بار، 1388: 29). از سوی دیگر شهر در ورای کالبد آن است: شهر چیزی بیش از مجموعه ای افراد و تسهیلات اجتماعی است. شهر بیشتر حالتی از اندیشه است؛

² . City category

³ . Henry Lefebvre

⁴ . Space

⁵ . Lokorbusia

انسجامی از عادات، سنن و طرز فکرهای سازمان‌یافته که ذات لاینفک این عادت شده است. به عبارت دیگر، شهر صرفاً یک مکانیزم کالبدی و یک بنای مصنوع نیست. شهر درگیر روند اجتماعی مردمی است که آن را تشکیل می‌دهند، شهر محصول طبیعت و به‌ویژه طبیعت بشر است. بسیاری از آن‌چه که معمولاً به عنوان شهر تلقی شود. امتیازهای آن، سازمان‌های رسمی، ساختمان‌ها، خیابان‌ها، راه آهن و نظایر آن صرفاً مصنوع هستند و یا چنین به نظر می‌رسند. اما این چیزها فی‌نفسه، تنها تسهیلات و طرح‌هایی تصادفی است که فقط هنگامی و تنها تا آن حد، در بخشی از شهر زنده می‌شود که از طریق استفاده و عادت، خود را مانند ابزاری در دست یک شخص، با نیروی حیاتی نهفته در افراد و جامعه مربوط سازد (پارک، 1358).

شهر علاوه بر عناصر کالبدی، شامل نمادها، سمبل‌ها، معانی و رموزی است که مردم براساس نقش‌ها و انگیزه‌ها و ذهنیات و دیگر عوامل درونی، آن را درک می‌کنند. از نگاه شولتز، احساس فضا و درک محیط با خاطرات عجیب شده است، وی بخشی از معانی مکان را در تجربه‌ها و حالات روحی انسان جستجو می‌نماید. برای او مکان، همان فضای زنده است. زنده بودن هم به معنای خاص و هم به معنای عام آن است. نگاهی که در مقابل بناهای شهر می‌ایستیم، کالبد موجود از طریق تجربه‌های متنوعی که در فضا روی آن صورت می‌گیرد، در قالب ماهیتی غیرقطبی (عینی-ذهنی) توجیهی را دال بر چگونگی فرایند تحولات در شهر ارائه می‌دهد. پس کالبد شهر نمادی انتزاعی یا نمایشی نیست، بلکه همواره با حضور در زندگی روزمره با ذهن ساکنین پیوند می‌خورد و موجودی واقعی می‌شود که قابل درک است. تانکیس به نقل از ادوارد کیسی در بازدید از زادگاهش می‌نویسد: «فهمیدن این مکان به صورت کم و بیش مطمئنی خاطراتی را برای من نگاه می‌دارد. این خاطرات همان قدر به مکان وابسته‌اند که به ذهن و جسم من تعلق دارند و در حضور من انتشار می‌یابند. این دید، خاطره یک عمل مجسم شده است که به حضور در مکان وابسته است. شهرها چه به عنوان محصولی اجتماعی و چه به عنوان محصولی فیزیکی، دارای عینیتی هستند» که وجود دارند و آثار آن ورای ادراک فردی آن‌ها، واقعی و به معنای کامل کلمه مشخص است. با این وجود، تجربه بودن در شهر می‌تواند مرز عینیت و ذهنیت را در لذت بخش‌ترین یا هراس‌انگیزترین طرق، مبهم و تار باشد (تانکیس، 1388). هویت در شهرهای جدید در نظام اقتصادی - اجتماعی جهان دگرگون شده و تکنولوژی جدید معماری شهرها را چنان دچار دگرگونی کرده است که در بسیاری از موارد بدون توجه به فرهنگ و شیوه‌های زندگی مردم اجرا گردیده و به‌خصوص در شهرهای جدید ایران که بیشتر نقش خوابگاهی به خود گرفته‌اند، خشک و بی‌روح جلوه می‌کند. ساکنین این شهرها اغلب دارای فرهنگی متفاوت از یکدیگر هستند که در این زمینه دچار بی‌هویتی هستند (اذانی و همکاران، 1397: 51). فرسودگی یکی از مهمترین مسائل مربوط به فضای شهری است باعث بی‌سازمانی، عدم تعادل، عدم تناسب و بی‌قوارگی آن می‌شود. بافت‌های فرسوده شهری با ارزش‌های کالبدی، تاریخی و فرهنگی نهفته در درون خود، بهترین نشانه‌های هویت شهری را در خود جای داده‌اند. فقر و تنگدستی، بیکاری و در مجموع احساس بی‌هویتی ساکنان، مناطق بافت‌های فرسوده را به جرم‌خیزترین مناطق شهری تبدیل می‌کند. این نتیجه با یافته‌های پژوهش‌های شکوهی‌نیا (1382) زبردست و همکاران (1392)، ابهری (1393) هم‌خوانی دارد.

2-2. هویت

کمتر مفهومی است که به اندازه‌ی هویت واجد معانی باشد. رد پای این مفهوم را می‌توان در گفت و گوهای روزمره تا بحث‌های علمی و دانشگاهی راه یافت. وجود مفهوم مترادف یا نزدیک و مرتبط متعدد برای هویت مانند من فاعلی، من مفعولی، ما، درک ما از خود، تصور از خود، خود بازنمایی، خودآگاهی، خودانگاره و شخصیت نیز از همین جا سرچشمه می‌گیرد. هویت با تلاش برای پاسخگویی به پرسش من کیستم موضوع تازه‌ای نیست و از دیر باز ذهن انسان را به خود مشغول داشته است. خودت را بشناس مفهوم هویت در این آموزه معروف سر در معبد دلفی نیز دیده می‌شود. اریکسون نخستین تعریف از هویت را ارائه داده است براساس نظریه‌ی او هویت جریان تلفیق تغییرات فردی و اجتماعی برای آینده است. اریکسون تشکیل هویت را شامل به‌وجود آمدن یک احساس است این همانی و وحدت و شخصیت می‌داند که فرد احساس می‌کند و دیگران آن را تشخیص می‌دهند (رئوفی، 1389: 92-93).

نظریه‌های هویت در تعبیر سنتی به ریشه‌های مشترکی می‌رسند و به طور عمده بر پایه‌ی نظریه‌های ویلیام جیمز و هربرت مید بنا شده‌اند. این نظریه‌ها جهت توضیح ماهیت خود و مکانیسم شکل‌گیری آن از نقش ضمیر اول شخص من در زبان کمک گرفته‌اند در قواعد زبانی من به دو شکل متفاوت فاعلی I و مفعولی Me ظاهر می‌شود که می‌توان آن را من در جایگاه سوژه و من در جایگاه ابژه‌ی که همان تصویری است که فرد از خود دارد. هنگامی که فرد در مورد خود فکر می‌کند من را ابژه خود قرار می‌دهد آن‌چه در غالب ضمیر من به خود نسبت می‌دهد. محتوای او را می‌سازد در تعریف جیمز خود انسان مجموعه آن چیزهایی است که فرد می‌تواند متعلق به خود بداند؛ بدنش، همسرش، فرزندانش، گذشتگانش، شغلش و غیره. فرد به تمام این‌ها حس مشابه دارد اگر چه به یک اندازه اما اگر اتفاقی برای امن‌ها رخ بدهد؛ مانند این که برای خود شخص رخ داده است (باریس، 2002: 103).

هویت، در زبان فارسی به معنای آن چه موجب شناسایی شخصی یا چیزی می‌شود، آمده است. در فرهنگ لاروس هویت به معنای چیزی است که باعث می‌شود یک شیء دقیقاً از همان ذاتی باشد که آن شیء را می‌سازد. همچنین بیانگر تعلق یک فرد به یک گروه اجتماعی بر پایه وضعیت یک محل جغرافیایی، زبانی، فرهنگی برخوردار از ویژگی‌های خاص است. هویت یکی از مفاهیم پیچیده و مبهم در حوزه‌های علوم انسانی به شمار می‌آورد که همواره از دیدگاه‌های متفاوت مورد توجه فیلسوفان، انسان‌شناسان، روانشناسان و جامعه‌شناسان قرار گرفته به طوری که تبیین این موضوع و عوامل موثر در شکل‌گیری آن از عهده‌ی یک نظریه و یا حتی یک مکتب بر نمی‌آیند. پارسونز به تبعیت از دورکیم معتقد است که هویت انسان از همان آغاز زندگی شروع می‌شود و در طول تمام زندگی‌اش به طور مداوم در مناسبات با ارگانسیم، فرهنگ و اجتماع ساخت پذیرفته و تغییر می‌کند. البته این نظام‌ها با توجه به ماهیتشان هویت‌های مختلفی را به افراد القاء می‌کنند (عبدالهی و مروت، 1385: 64-65). در فرهنگ‌های مختلف مفهوم هویت گوناگون است: در فرهنگ علوم انسانی هویت به معنی چیستی و کیستی بوده و در فرهنگ اصلاحات و تعبیرات عرفانی به معنای ذات مطلق آورده شده است. همچنین در فرهنگ علوم فلسفی و کلامی هویت مشتق از هو، حقیقت جزئی و در فرهنگ اصطلاحات منطقی به معنی ماهیت مشخص متعین جزئی که در خارج وجود دارد، آورده شده است. بنابراین، در فرهنگ المنجد عربی و لغتنامه‌ی دهخدا و فرهنگ معارف اسلامی هویت به معنای آوا بودن، تشخیص و حقیقت مطلقه مشتمل بر حقایق آمده است (نصر و ماجدی، 1392: 271).

3-2. شهر و هویت

هویت در شهر امری است که سال‌ها مورد بحث، نقد، تعریف و تدریس قرار گرفته است، اما پیشینه‌ی این بحث در منظر شهری، سابقه‌ی زیادی ندارد. هویت در شهر صفات و خصوصیات کالبدی شهر را مدنظر دارد (ناظم زاده شعاعی، 1394). هابرماس با قرائت جدید از مدرنیته به‌عنوان پروژه‌ی ناتمام و بازخوانی آرای وبر و مارکس، مید و پارسونز، عقلانیت ارتباطی را به عنوان راه برون رفت از منطق سلطه‌ی عقلانیت ابزاری پیشنهاد می‌کند. از نظر وی، کنش ارتباطی در شرایط مفاهمه صورت می‌گیرد. به‌گونه‌ای که طرفین این کنش در شرایط عادلانه به گفت و گو بنشینند. هابرماس، اخلاق گفتمان را در شکل ایده‌آل در همگانیت یک گستره‌ی همگانی فرض می‌کند که در آن فضایی پدید می‌آید تا مکالمه، بحث و اظهار نظر به شکل آزادانه و باز برگزار شود. هابرماس بر این عقیده است که در صورت پدید آمدن بسترهای لازم گفتمان و تداوم آن، این امکان فراهم می‌شود تا از دل آن بتوان هنجارهای معتبری را به عنوان معیار اخلاق و حقیقت بیرون کشید. هنجارهای معتبر، هنجارهایی است که همه می‌توانند در گفتمان‌های عملی در وضعیت آرمانی گفتار و سخن بپذیرند. بر همین اساس فضای شهری به عنوان مکان گفت و گو و تعامل نیروهای موثر بر تحولات شهری معرفی می‌شود (هولاب، 1375).

ادعای ژان ژاک روسو به عنوان یک متفکر سده 18 میلادی با مضمون این‌که خانه‌ها نیستند که شهر را می‌سازند، بلکه شهروندان هستند، در سده 20 و 21 میلادی بارها و به‌انحای مختلف توسط متخصصان و کارشناسان طرز اول در حوزه شهر مورد تصدیق قرار گرفته است. بطوری‌که یان گل بیان داشته است. مهم‌ترین بخش قرائت شهر، نه بر مبنای بناهای عظیم و

ساختمان‌های بلندمرتبه آن، بلکه براساس حضور پویا و هیجان‌انگیز مردم در فضاهای عمومی است که شکل می‌گیرد. حضور پویایی که افراد آن را منوط به فضاهای مناسب و دعوت‌کننده در شهرها می‌دانند و الدنبرگ، این فضاها را به‌عنوان مهم‌ترین عاملی که شهرها از روی آن‌ها مورد قرائت قرار می‌گیرند، معرفی می‌کند. امروزه بسیاری از شهرهای جهان چون لندن، پاریس، توکیو، استانبول، بارسلون، کپنهاگ و نیویورک در سال‌های اخیر پس از دهه‌ها تلاش جهت توسعه صنعتی و اقتصادی پیش رفته‌اند، درصدد چرخش فرهنگی به سمت و سوی شهرهای خلاق هستند. شهرهایی که در پی تحقق این جمله هانری لوفور است. شهرهای معاصر معنی خود را در ساخت بزرگراه‌ها، آسمان خراش‌ها، تونل‌ها، پارک‌ها، بناهای مختلف یا تمرکز بیشتر جمعیت در شهرها نبوده‌اند، بلکه شهرها از ظرفیت‌های لازم برای تقویت حضور جامعه و رشد فرهنگ برخوردار هستند (ایلدن، 2006: 37).

از جمله ظرفیت‌هایی که لفور به آن‌ها اشاره دارد، فضاهایی عمومی است. فضاهایی که در مقام یک مکان، متن و محرک، هر روزی مفاهیم، تجربیات، خاطرات و واحد پایه زندگی عمومی شهرها به شمار می‌آیند و در ساحتی دیگر، به خلق و تولید ذهنیت مشترکی از قواعد زندگی اجتماعی، بازتاب عقاید و ارزش‌های شهر و جامعه و برساخت فرهنگ کمک می‌رسانند. در کلانشهرها افراد می‌کوشند تا برای خود هویتی شاخص در منطقه و جهان کسب نماید، عرصه‌ی بحث‌برانگیزی در خصوص عدم توجه به چنین گفتمان‌های شهری است. گفتمان‌هایی که بی‌توجهی به آن‌ها در نگاه اول ریشه در حذف و عدم تولید مکان‌ها- فضاهای عمومی در شهر دارد اما با قرار دادن این موضوع، ریشه این بی‌توجهی را باید از دل پارادایم‌های فکری قدرتمندی چون کسب منفعت اقتصادی بیشتر تا مفهومی چون تقابل سنت و مدرنیته رهگیری نمود (رضایی و مدیری، 1392: 44).

مانوئل کاستلز در سال 2000 در مطالعه خود با عنوان شهرها، اطلاعات، اقتصاد جهانی بر شهر اطلاعاتی متمرکز می‌شود. کاستلز در این مطالعه، منطق جدید فضایی را که مشخصه‌ی شهر اطلاعاتی است، براساس تفوق فضای جریان‌ها بر فضای مکان‌ها تعیین می‌کند. در ارتباط با شهر گافمن با به‌کارگیری مفاهیم تئاتری همچون بازیگر، تماشاچیان، بازی، اجرای تئاتری، صحنه، پشت صحنه و ... در یک مفهوم استعاری به شناخت، توصیف، تبیین و تحلیل شهر و روابط آن پرداخته است. وی با استفاده از این مفاهیم بیش از پیش از هر موضوعی به مسئله‌ی هویت می‌پردازد. به باور او روابط ساکنین شهر متناسب با مکان‌های سکونت، کار و با زندگی درگیر عقب‌نشینی یا مقاومت فرد در برابر جامعه است. در نظریه گافمن، شهر برای گروه‌هایی که به نوعی با مسئله‌ی هویت حاشیه در برابر متن درگیر هستند، کارآمدهای منحصر به فردی دارد. تحلیل پدیده‌های شهری و یا بیان بهتر شهر منطقه شهری و رابطه آن‌ها مستلزم به‌کارگیری همه ابزارهای روش‌شناختی یعنی شکل، کارکرد، ساختار، سطوح، ابعاد، متن بافت زمینه و کل، نوشتار و خوانش، نظام دال و مدلول، زیان و فرازیان، نهادها و غیره است. شهر در سطح خاص خود می‌تواند معانی فلسفی، مذهبی و سیاسی موجود را از آن خود کند. شهر این معانی را از آن خود می‌کند تا آن‌ها را به وسیله یا با صدای ساختمان‌ها، پادمان‌ها، خیابان‌ها و میادین، فضاهای و یا نمایش آرایی خودجوش رویارویی‌هایی که در آن اتفاق می‌افتد و هم‌چنین جشن‌ها و مراسم به نمایش گذارد (لوفور، 1379: 43). شهر بر هویت نقش موثری داشته است. هویت کالبدی به معنای صفات و خصوصیتی است که جسم شهر را از غیر شهر متمایز کرده و شباهت‌ش را با خود شهر آشکار می‌کند این صفات باید به‌گونه‌ای باشند که جسم شهر، درعین تداوم زمانی، در حال تحول و تکامل نیز باشد و نهایتاً به پیدایش یک کار منفجر شود. معیارهای ارزیابی هویت کالبدی شامل: تمایز از غیر و تشابه آن با خودی، حفظ تداوم در عین تحول، حفظ وحدت در عین کثرت. از میان سه معیار مذکور تمایز از غیر تشابه با خودی از همه مهم تر بوده واصل زیر بنایی محسوب می‌شود. دو معیار بعدی، اجزا و زیر مجموع آن محسوب شده و تابع هستند (میرمقدادی و طالبی، 1385: 24).

4-2. مولفه‌های تأثیرگذار بر هویت شهر

مولفه‌های طبیعی هویت در شهر: هر شهر جایگاه ویژه‌ای ویژه برخوردار است که آن را از سایر شهرها متمایز می‌سازد. ویژگی بستر طبیعی هر شهر، بخشی از هویت را به تصویر می‌کشد که در قالب هویت طبیعی شهر قابل تعریف است.

مولفه‌های مصنوعی هویت در شهر: به صورت ساختاری و کالبدی در لایه‌های مختلف زمان بر هویت شهر تأثیر دارد و شامل عواملی هستند که در طول زمان بر اجزاء مصنوع شهر تأثیر می‌گذارند. **مولفه‌های انسانی هویت در شهر:** متأثر از آداب و رسوم و عقاید و سیره زندگی ساکنان هر شهر است که هویت شهر را شکل می‌دهد. در جدول زیر به بیان مولفه‌های تأثیرگذار بر شهر پرداخته شده است:

جدول 1: هویت در شهر

مولفه‌های هویت در شهر	
جایگاه کلی طبیعی (طول و عرض جغرافیایی آن در شهر و شاخص‌های وابسته)	مولفه‌های طبیعی هویت شهر
مولفه‌های ساختاری جغرافیایی (توپوگرافی، هیدروگرافی و شاخص‌های وابسته)	
مولفه‌های ساختاری طبیعی (رود و دره‌ها)	
مولفه‌های حوزه‌ای و ساختی طبیعی (تنوع خاک، پوشش گیاهی، سرریز حوضه‌ها)	
مولفه‌های نقطه‌ای (چشمه‌ها، تپه‌ها و غیره)	
مولفه‌های نقطه‌ای خطی (مسیر آب و مشابه)	
منظر عمومی: کلیت فرم شهر با دید پرنده (خطی - شطرنجی، شعاعی یا ارگانیک)	مولفه‌های مصنوعی هویت شهر
عناصر خطی - ساختاری شاخص: خیابان‌های اصلی ساخت شهر	
شاخص‌های قانونی و نقطه‌ای شهری: میدان، دروازه‌ها، پارک‌ها و غیره	
شاخص‌های خطی - نقطه‌ای تاریخی و کالبدی: کاخ‌ها و بازار و غیره	
تک بناهای شاخص شهری	
توده‌ها، حوزه‌ها و فضاها شاخص شهری: محله‌های قدیمی شهر قدیم، مجموعه ساختمان‌های مسکونی و نظیر آن‌هاست.	مولفه‌های انسانی هویت شهر
تبار و نیاکان	
اوضاع دینی و مذهبی	
آداب و رسوم	
زبان	

(نصر، 1393: 234-235)

استخوان‌بندی شهر مجموعه‌ای است مرکب از ستون فقرات و شبکه‌ای به هم پیوسته از کاربری‌ها و عناصر مختلف شهری که شهر را در کلیت آن انسجام می‌بخشد و تار و پودش در همه گستره شهر تا انتهایی‌ترین اجزای آن یعنی محله‌های مسکونی امتداد می‌یابد. این مجموعه، مبین ویژگی‌ها و خصوصیات کلی شهر، شامل عوامل مصنوع (مساجد، کلیساها، کاخ‌ها و دیوارها و حصارها) و عناصر طبیعی (کوه‌ها، تپه‌ها، رودخانه، ساحل دریا و پوشش‌های گیاهی انبوه و نظایر آن) است. عناصر استخوان‌بندی شهر که همان شبکه‌ی نمادین شهر را تشکیل می‌دهند، ابزارهای هویت‌دهنده و نقاط عطفی در شهر هستند که با سازمان فضایی خاص خود در ایجاد خاطره ذهنی از شهر و خوانایی آن به کار می‌آیند (حبیبی، 1997 به نقل از نصر، 1393: 235). رودها، دریاچه‌ها، پوشش گیاهی و گونه‌های جانوری مختص نقاط ویژه و سایر عوامل طبیعی که به‌عنوان نماد اصلی یک شهر در می‌آیند و خود را به‌عنوان عناصر اصلی هویت‌بخشی در شهر معرفی می‌کنند، نقش مهمی را در شناخته شدن شهر و ساکنین آن ایفا می‌نمایند. علاوه بر عناصر طبیعی که نمود ظاهری از یک شهر را نمایش می‌دهد، ساختمان‌ها، شبکه راه‌ها، فضاها عمومی، عناصر تکمیل‌کننده فضا همچون مبلمان شهری و به طور کلی محیط مصنوع در صورت هویت‌دار بودن قادرند منظر و سیمای متفاوتی را از کالبد هر شهر به نمایش گذارند؛ هویت‌بخشی به این ابعاد، باید اهنگ و متناسب با فرهنگ و

اعتقادات ساکنان شهر باشد. از سویی دیگر، ساختار شهرها برآیند تفکرات و جهان‌بینی ملل و تمدن‌ها هستند (نصر، 1393: 235).

شناخت عوامل هویت‌بخش شهرها و میزان برخورداری آن‌ها از این عوامل و شناسایی نقاط قوت، ضعف، فرصت‌ها و تهدیدهای فرا روی هر یک از نواحی آن می‌تواند تأثیر بسزایی در جلوگیری از بحران هویتی در شهرها داشته باشد. شهر همواره در نزد فیلسوفان، اندیشمندان و محققان به عنوان پدیده‌ای جدید که انسان را از جوهره‌ی اصیل خود دور می‌سازد و او را در چارچوب روابط عقلانی خشک ابزاری و حسابگری قرار می‌دهد، مدنظر بوده است. روابط اجتماعی و شیوه‌ی امروزین زندگی در فضای شهری از یک طرف، و نقش نمادین فضاهای کالبدی در شهرها از طرف دیگر، انسان شهرنشین را بیش از پیش نسبت به خود و دیگران و محیط بیگانه کرده است. باید خاطر نشان کرد که عناصر مادی و کالبدی فضای شهری بیانگر نمادها و معنای خاصی است که از طریق آن شهروندان با اطراف خود ارتباط برقرار می‌کنند، اما اینکه آن نمادها و معنای چه حس و چه رابطه‌ی روانی و اجتماعی را در فرد تقویت می‌کند، بستگی به شکل و فرم فضایی دارد که از درون طرح‌های توسعه شهری به وجود می‌آید. به عنوان نمونه، ساخت و سازهای بی‌رویه شهری، حکایت از آشفتگی و پریشانی فضایی دارد که این آشفتگی و پریشانی به تشویش روانی، همراه با فقدان تعلق اجتماعی شهرنشینان، انجامیده است. طرح‌های توسعه شهری در کشور ما بدون توجه مدیران شهری به ابعاد روانی و ذهنی و فرهنگی به اجرا در می‌آیند و شهرنشینان سنتی را به زندگی مدرن - با گرایش‌ها و ایدئولوژی مدرن - دعوت می‌کنند. این امر باعث ایجاد شکاف و فاصله میان انسان شهرنشین با محیط شهری خود می‌شود که نتیجه آن چیزی جز انزوا، انفعال و از خود بیگانگی نسبت به محیط نیست. طرح‌های توسعه شهری بیانگر فاصله‌ها و بی‌هویتی‌هاست و این امر خود به احساس تعلق ناچیز نسبت به محیط شهری می‌انجامد و فردگرایی و انزوا را به دنبال می‌آورد. زندگی در شهرها تنها به معنای داشتن سکونت در محیط امن و سرپناه نیست، بلکه به معنای احساس تعلق و معنا نسبت به جلوه‌های منطقی و عقلانی از هستی و حیاتی است که در شهر تبلور یافته است. از آنجا که انسان در تمام عرصه‌های حیات و زندگی - از جمله در قلمرو روابط و فضای شهری - معناکاو یاست، اگر معناهای اصیل متعلق به تاریخ و فرهنگ و فطرت خود را در فضای شهری پیرامون خود مشاهده نکند، دچار یأس، دل‌سردی، انزوا و از خود بیگانگی می‌شود.

زیمل معتقد است شهر در جریان گسترش هر چه بیشتر شرایط حیات تقسیم کار را فراهم آورده است و مجموعه متنوعی از کالاها را برای افراد به وجود آورده است که هویت افراد با این کالاها و پول آن‌ها مشخص می‌شود. شهر موجب گذار به فردی شدن نشانه‌های ذهنی و روانی می‌شوند که شهر با توجه به اندازه‌اش به وجود می‌آید. در شهر آدمی باید در پس دشواری اثبات شخصیت خود در محدوده‌ی ابعاد زندگی شخصی برآید. جایی که افزایش کمی در اهمیت و مصرف انرژی به نهایت خود می‌رسد، انسان‌ها به تفاوت‌های کیفی متوسل می‌شوند تا شاید به این طریق توجه محفل اجتماعی را با تحریک حساسیت آن محفل در مورد تفاوت‌ها به خود جذب کنند. آدمی وسوسه می‌شود که از رفتار خاص جهت‌داری را اختیار کند. آدمی در شهر می‌خواهد خود را متفاوت نشان دهد و از دیگران متمایز کند که این امر باعث جلب توجه دیگران شده است و رفتار خاص و جهت‌داری را انتخاب کند، فرد در کلان‌شهرها ویژه بودن و یکتا بودن در حد‌اعلای درجه بشود تا بتواند جوهر شخصی خود را حفظ کند او مجبور است در عنصر شخصی خود غرق شود، زیرا در غیر این صورت ممکن است خودش هم خودش را نشانسد. افلاج فرهنگی فردی به دلیل جنب و جوش فرهنگ عینی یکی از دلایل نفرت تلخ و اعطانی است که افراطی‌ترین فردگرایی را موعظه می‌کنند، که بیش از همه می‌توان از نیچه مبلغ ضد کلان‌شهر نام برد. کلان‌شهرها فرد را اسیر و گرفتار قیود سرکوبگری می‌کنند که این قیود از نوع سیاسی و ارضی و صنفی آن‌ها بندهایی بودند که به اصطلاح شکلی غیر طبیعی و نابرابری منسوخ و ظالمانه را بر فرد تحمیل کرده بودند (زیمل، 1372: 56-65).

3. نتیجه‌گیری

هویت در شهر به واسطه ایجاد و تداعی خاطرات عمومی در شهروندان، تعلق خاطر را برای آنان فراهم کرده و شهرنشینان را به سوی شهروند شدن که گستره‌ای فعال‌تر از ساکن شدن صرف دارد، هدایت می‌کند. شهرها و زندگی در شهر مصداق حضور در جمع است که خود موجد هویت است. به بیان دیگر، اگرچه انسان‌ها هویت شهر را می‌سازند اما شهرها نیز از طریق ایجاد هویت جمعی منحصر به فرد هویت ساکنان خود را شکل می‌دهند. هویت کلمه‌ای است که از ویژگی‌ها و امتیازات افراد، گروه‌های بشری، اقوام و ملت‌ها بحث می‌کند. هویت انسانی، مقوله‌ای اجتماعی است. همه انسان‌ها به هنگام تولد، فارغ از اینکه در کجای زمین به دنیا می‌آیند و یا از چه تعلق قومی و قبیله‌ای برخوردارند، دارای ویژگی‌های یکسان نوع انسانی، در میان انواع موجودات زنده هستند و هیچ‌گونه تفاوت ماهوی با یکدیگر ندارند؛ بنابراین، مقوله‌ی هویت انسانی که در دوران رشد و تکوین انسان در جامعه شکل می‌گیرد، کاملاً اجتماعی و جامعه‌شناسانه است و ربطی به خون و نژاد و رنگ پوست و ... ندارد. هویت‌ها با فضای شهری در ارتباط هستند. فضا مجموعه‌ای از مکان‌هاست و زمینه‌ای است پویا با اعراض کیفی متفاوت وجود دارد. این اعراض و آن زمینه، فضا را با اصالت عمل تنظیم کرده و اسلوب می‌بخشند. فضا حجم مکانی و زمانی مجموعه‌ای از تمام فعالیت‌هایی است که انسان در راه تسلط بر طبیعت و برای بقای خود انجام می‌دهد به عبارتی دیگر منظور فضایی است اقتصادی و اجتماعی که منعکس‌کننده تمام هستی جوامع انسانی است. فضای شهری در واقع چیزی نیست جزء فضای زندگی روزمره‌ی شهروندان که هر روز به صورت آگاهانه و ناآگاهانه در طول راه از منزل تا محل کار ادراک می‌شود.

هم‌چنین فضای شهری ساختاری سازمان‌یافته و واجد نظم که به صورت بستری کالبدی برای فعالیت‌های انسانی درآمده و قابلیت حمل روابط اجتماعی و اهداف فرهنگی را داراست. هویت با شهر در ارتباط است. منظور از هویت، احساس تعلق فرد به شهر است. هویت شهری بخشی از شخصیت وجودی هر انسان است که هویت فردی او را می‌سازد؛ مکانی است که خود را با آن می‌شناسد و به دیگران می‌شناساند. هویت یک شهر را می‌توان از جنبه‌های مختلف، کالبدی و طبیعی، انسانی و اجتماعی، تاریخی و اقتصادی بررسی نمود و در واقع شکل‌گیری هویت شهری تحت تأثیر فرهنگ، شکل طبیعی و کالبد مصنوع شهر قرار دارد. هویت شهر به معنای مجموعه‌ای ویژگی‌هایی است که در طول زمان حضوری مداوم در تعریف شهر داشته باشند و یک شهر علاوه بر پاسخگویی به تغییرات و نیازهای جدید در امتداد تاریخ خود قرار داشته باشد. این مفهوم هویت شهر مفهومی پویاست و لزوماً به تثبیت و تکرار اجزای خاص شهر منجر نمی‌شود. علاوه بر این مولفه‌های سازنده‌ی هویت شهر لزوماً نوع یا گونه‌ی خاصی از ویژگی‌ها و عناصر شهری از قبیل ویژگی‌های ظاهری شهر یا صفات ساختاری آن نیستند. بلکه همه‌ی عناصر سازنده شهر به شرط تداوم می‌توانند هویت‌ساز باشند. در مجموع باید گفت که ساکنان شهرهای جدید دچار اختلال هویتی شده‌اند و احساس انزوا می‌کنند. فضای شهری باعث تحریکات عصبی فرد شده و افراد با هر بار گذشتن از خیابان و در ضربان تنوع زندگی اقتصادی و شغلی و در طی اجتماعی شدن هویت خود را از دست دهند. افراد در شهر نشانه‌های به‌ظاهر بی‌اهمیتی در زندگی خود احساس می‌کنند و آنچه در زندگی آنان به وجود آمده است باید با محاسبه، توزیع و محاسبات عددی و تقلیل ارزش‌های کیفی به کمی به وجود آید، که این خود باعث دگرگونی در هویت افراد می‌شود. در شهر نوعی بیگانگی و طرد دو جانبه که می‌تواند به هر دلیلی به نفرت و جنگ تبدیل شود. کل سازمان‌های درونی زندگی در شهر مبتنی بر سلسله‌مراتبی از همدلی‌ها و بی‌اعتنایی‌ها و انزجارهایی است که ممکن است سرشتی شدیداً گذرا یا بسیار پایدار داشته باشد که این امر باعث بی‌هویتی در افراد می‌شود.

منابع

- [1] اذانی، م. مهدی زاده، ز. حاج تبیان، ص. فضاهای شهری در ایجاد هویت شهرهای جدید، *فصلنامه‌ی شهر*، دوره بیست و دوم، شماره‌ی 85.
- [2] آتشین بار، م. تداوم هویت در منظر شهری، *فصلنامه‌ی باغ نظر*، شماره‌ی دوازدهم، سال ششم، 1388.
- [3] پارک، ا. *مفهوم شهر*، ترجمه‌ی گیتی اعتماد، گروه تحقیقات و مطالعات شهری و منطقه‌ای، 1358.
- [4] تانکیس، ف. *فضا، شهر و نظریه‌ی اجتماعی*، ترجمه‌ی حمیدرضا پارسی و آرزو افلاطونی، موسسه‌ی انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، 1388.
- [5] خادمی، ش. علی پور، س. مال، نمود امروزین فضای عمومی در تهران؟ *فصلنامه‌ی باغ نظر*، شماره 40، 1396.
- [6] رئوفی، م. مولفه‌های هویت دینی، *فصلنامه‌ی دین و ارتباطات*، سال هفدهم، شماره‌ی اول و دوم، 1389.
- [7] ریاضی، ا. شهر؛ پدیده‌ای میان رشته‌ای، *فصلنامه‌ی مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی*، دوره ششم، شماره‌ی 1، 1392.
- [8] رضایی، م. مدیری، آ. *خوانشی از تجربه شهری در خیابان‌های استانبول تا پرسه‌زنی ذهنی در خیابان‌های تهران نمونه موردی: استقلال استانبول، لاله‌زار تهران*، فصلنامه‌ی معماری و شهرسازی، دوره‌ی 19، شماره 1، 1392.
- [9] زیمیل، گ. کلانشهر و حیات ذهنی، ترجمه‌ی یوسف ابادری، *فصلنامه‌ی نامه‌ی علوم اجتماعی*، جلد دوم، شماره‌ی سوم، 1372.
- [10] زبردست، ا. خلیلی، ا. دهقانی، م. کاربردی روش تحلیل عاملی در شناسایی بافت‌های فرسوده‌ی شهری، نشریه‌ی هنرهای زیبا، معماری و شهرسازی، دوره‌ی 18، شماره‌ی 4، 1392.
- [11] سلطانی، علی و نامداریان، احمد علی (1390). تحلیل نقش فضای شهری در دستیابی به توسعه‌ی پایدار شهرها، تبیین پارادایم ارتباط، *فصلنامه‌ی باغ نظر*، شماره 18، سال هشتم.
- [12] سعیدی مفرد، س. روحانی چولانی، *بازبینی نقش شهرسازی ایرانی - اسلامی در ارتقاء هویت فاضی شهری معاصر*، دومین همایش ملی معماری و شهرسازی اسلامی، 1392.
- [13] شاطریان، م. سهراب زاده، م. بحران هویت و انزوای اجتماعی در شهرهای جدید و رابطه‌ی آن با رضایت از محل سکونت (مورد مطالعه: شهر جدید پردیس)، *نشریه‌ی پژوهش و برنامه‌ریزی شهری*، سال هشتم، شماره‌ی بیست و هشتم، 1396.
- [14] شکوهی نیا، ش. مطالعات آسیب‌شناسی، فصلنامه‌ی عمران و بهسازی شهری، فصلنامه‌ی هفت شهر، شماره‌های 1-12، 1382.
- [15] قلمبردزفولی، م. نقی زاده، م. طراحی فضای شهری به منظور ارتقاء تعاملات اجتماعی، *فصلنامه‌ی هویت شهر*، شماره‌ی هشتم، 1392.
- [16] غلامی، م. حیاتی، ع. بررسی تأثیر هویت کالبدی بر انسجام اجتماعی مطالعه‌ی موردی: محله اوین شهر تهران، *نشریه‌ی تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی*، سال سیزدهم، شماره‌ی 30، 1392.
- [17] میر مقدایی، م. طالبی زاده، ژ. *هویت کالبدی شهر مطالعه موردی تهران*، مرکز تحقیقات ساختمان و مسکن، 1385.
- [18] لوفور، هانری، سطوح واقعیت و تحلیل پدیده‌های شهری، *فصلنامه‌ی مدیریت شهری*، شماره‌ی 2، 1379.
- عبداللهی، م. مروت، ب. هویت جمعی غالب در بین دانشجویان دانشگاه‌های شهر سنج، *فصلنامه‌ی علوم اجتماعی*، شماره‌ی 32، 1385.
- [19] هولاب، ر. یورگن هابرماس: *نقد در حوزه‌ی عمومی*، ترجمه‌ی حسین بشیریه، نی، 1991.
- [20] ناظم زاده شعاعی، ف. *چالش‌های پیش رو بحث هویت منظر شهرهای قدیم ایران در توسعه‌ی شهری*، دومین کنفرانس ملی معماری و منظر شهری پایدار، 1394.

[21] نصر، ط. ماجدی، ح. نگاهی به مقوله‌ی هویت در شهرسازی، *فصلنامه‌ی معماری و شهرسازی آرمان شهر*، شماره‌ی 11، 1396.

[22] نصر، ط. تبیین مولفه‌های هویت کالبدی شهر سنتی ایرانی، *فصلنامه‌ی معماری و شهرسازی آرمان شهر*، شماره‌ی 21، 1396.

[23]Sunders, P. Social Theory and the Urban Question, London: Unwin Hyman Ltd,1987

[24]Elden, S. Understanding henri Lefebvre theory and the Possible, British Library Cataloguing - in-data,2006.
Publication

[25]Lefebvre H, Le Droit à la ville, Paris: Anthropos (2e ed.) Paris: Ed. du Seuil, Collection Points,1968.

[26]Barresi, J. Fromthe Thought is the Thinker'to the Voice is the Speaker' William James and the Dialogical Self Theory & Psychology, 12(2): 237-250,2002.

[24] ابهری، م. (1393/12/8)، «آسیب‌های نوپدید اجتماعی»، در سایت: <http://iraniansocialworkers.ir>